

عظمت شریعت الهی در این است که انسان حیرت می‌کند چگونه با این دستورات ساده، انسان به آن‌چنان اُنس و عشق می‌رسد

شماره پرسش: ۱۴۱۹۳

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۴/۱۰/۱۰ ۰۷:۰۲:۵۲

متن پرسش

سلام آقای طاهرزاده: خواهشا «همه‌ی» حرفام رو بخونید! این سوال من و جواب شما، میتونه برای خیلیا مفید باشه. پسری ۲۰ ساله و دانشجو هستم. من کتاب جوان و آشتی با خدا و ده نکته و خویشتن پنهان شما رو خوندم. و به این نتیجه هم رسیدم که جان من خدا می‌خواهد. و آدمی هستم که به غیر از خدا به هیچ چیز دیگه راضی نمیشم. و میدونم و حس کردم که اگه با خدا باشم خوش هستم. و همیشه بزرگترین آرزو و هدفم اینه که با خدا باشم و خوش باشم. چی بزرگتر و بهتر از اینکه با خدا باشم؟! ولی نمیدونم کجای کار می‌لنگه که با این که میدونم و تجربه هم کردم که مثلا نیمه های شب با خدا راز و نیاز کردن و اذان صبح، نماز خوندن و سحرخیزی چه لذتی داره، ولی چرا بیدار نمیشم؟! چرا اکثر نمازهام رو نمیخونم؟! با اینکه میدونم اگه بخوام با خدا باشم و خوش باشم، باید این کارا رو بکنم، چرا آهسته قدم برمی دارم برای این هدفم؟ اعتقاد دارم که باید عشقی وجود داشته باشه تا محرکی باشه برای انجام تمام کارام. عشقی که هر لحظه به اون فکر کنم. و هر کاری می‌کنم، در راه رسیدن به اون عشق و بودن با اون عشق باشه. حتی آب خوردنم! آیا این عشق باید خدا باشه؟ چه جوری میشه عاشق چیزی شد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: «دانستن» اول کار است. با عمل به دستورات شرع مقدس است که آرام آرام حجاب‌ها برطرف می‌شود و آن دانایی‌ها به اُنس تبدیل می‌شود. عظمت شریعت الهی در این است که انسان حیرت می‌کند چگونه با این دستورات ساده، انسان به آن‌چنان اُنس و عشق می‌رسد اگر صادقانه عمل نماید. به قول حافظ: «به خُلق و لطف توان کرد صید اهلِ نظر / به بند و دام نگیرند مرغِ دانا را». و خداوند نیز با لطف خود توانسته است اهل نظر را جلب کند، همان‌طور که مرغ دانا را با دانه می‌توان جلب کرد نه با دام. موفق باشید